

کمیته انتشارات

دستور دکتر فرامرز اردشیر بد  
آقای دکتر بهرام فره وشی  
آقای دکتر محمدعلی موحد  
آقای یحیی ذکاء  
آقای امان اله قریشی

هیئت مدیره

جناب آقای دکتر فرهنگ مهر  
( رئیس )  
آقای دکتر فتح اله دولشاهی  
آقای علی اکبر جعفری  
آقای دکتر بهرام فره وشی  
آقای دکتر محمدعلی موحد  
آقای امان اله قریشی  
( مدیر عامل افتخاری )

هیئت امضاء

بانو فرنکیس کیخسرو شاهرخ ( یگانگی )  
( دبیر افتخاری )  
آقای رحمت اله قوامی  
آقای فیروز مادن  
آقای مهر بان مهر ( خزانه دار افتخاری )  
آقای دکتر فریدون ورجاوند  
جناب آقای وحید مازندرانی  
آقای دکتر محمود هومن  
شادروان حسنعلی منصور  
شادروان فتح اله نوری اسفندیاری { اعضای مؤسس و رؤسای سابق هیئت امضاء

کلیه مکاتبات به عنوان بانو فرنکیس یگانگی دبیر افتخاری انجمن فرهنگ ایران باستان  
خیابان تخت جمشید شماره ۳۰۵ ، تهران ، ایران خواهد بود

تک شماره ۴۰ ریال

چاپ پیک ایران

۱۳۰۲  
۱۳۰۲  
۱۳۰۲  
۱۳۰۲  
۱۳۰۲

دیوید - ستروناخ

حفاریهای پاسارگاد در سال ۱۹۶۳

سومین حفاری « انجمن بریتانیایی مطالعات ایرانی » در پاسارگاد از پانزدهم  
اکتبر تا پانزدهم دسامبر ۱۹۶۳ انجام گرفت . این حفاری زیر نظر دیوید ستروناخ و با  
همکاری آقای ام-ام ویور (مهندس معمار و نقشه بردار) ، دوشیزه الیزابت بیزلی (مهندس معمار) ،  
دوشیزه اولیو کیتسون (عکاس) ، آقای ادوارد کیل (مهندس معمار و معاون حفاری در حوزة)  
و آقای فردیناند هینزن (مهندس معمار) صورت گرفت . آقای محمود آرام به عنوان نماینده  
اداره باستانشناسی ایران همراه هیئت بودند و آقای هادوی نماینده محلی اداره باستانشناسی  
نیز کمکهای سودمندی به هیئت حفاری کردند .

کار هیئت حفاری با کمکهای مالی انجمن بریتانیایی مطالعات ایرانی ، آکادمی  
بریتانیا ، موزه سلطنتی اونتاریو ، موزه اشمولین ، دانشگاه سیدنی و شرکتهای عامل نفت  
ایران انجام پذیرفت .

نقشه برداری از اتاق دروازه بان ، کاخها و زندان

در دوران این حفاری که طی آن مطالعات به خوبی پیشرفت میکرد ، کاوش مفصلی  
در اتاق دروازه بان ، تالار بارعام ، کاخ خصوصی زندان بعمل آمد . در اتاق دروازه بان  
قطعات تازه ای از مجسمه یک گاو نر بزرگ که زمانی پاسدار درشرفی بوده است بدست آمد .  
ضمن تمیز کردن محوطه کاخ خصوصی تعدادی اشیاء حک شده و از جمله سنگ نبشته پیدا شد .

در زندان که برای دومین بار در آن حفره‌های محدودی انجام میگرفت مدارك كافي بدست آمد ، و به كمك آنها ترسیم مقطع‌های عمودی جنوبی و غربی ساختمان به خوبی ممکن شد. در کاوشی که در کناره غربی ساختمان انجام گرفت، در روبروی پلکانهای بزرگ وجود يك دیوار اصلی از خشت با يك مدخل سنگی افتاده مشخص شد ؛ بعلاوه این نتیجه بدست آمد که چهار ساختمان نامبرده بنا بر يك نقشه جامع نوعی ساخته شده‌اند که اکنون هم «دژ تپه» و تمام قسمتهای حفاری شده اطراف آن را در بر میگیرند .

### دژ تپه

در نتیجه يك رشته حفاری دیگر در «دژ تپه» اکنون میتوانیم به وجود چهار دوره ساختمانی متمایز از یکدیگر اشاره کنیم . سه دوره اول این چهار دوره مربوط به زمان هخامنشیان و سلوکی‌ها میشود و دوره چهارم مطمئناً از اوائل دوره اسلامی است .

### دوره اول (۵۵۰ - ۵۲۲ پیش از میلاد)

ضمن حفاری اخیر، آگاهیهای تازه کمی درباره این دوره به آنچه از کاوشهای ما در سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ بدست آمده و در نشریه ایران شماره ۲۹۱ انتشار یافته بود، اضافه شد . تنها در زاویه شمال شرقی گودال جنوبی ، ما توانستیم به شواهد تازه‌ای از طرح‌های صدف بزرگ سنگی ، پیش از آنکه بوضع دیگری در دوران دوم ساختمانی درآید ، دسترسی پیدا کنیم . در اینجا به رشته‌ای از سنگهای آهک ضخیم برخوردیم که بنظر میرسد بمنظور پایه‌های اصلی برای ساختن يك دیوار اساسی شمالی - جنوبی که بخش مهمی از محوطه را از بقیه تپه جدا کند بنا شده بود . موضوع شگفتی آورد دیگر این نکته بود که علاوه بر فرو رفتگی بیرونی ، هر سنگ در امتداد دیواره مجاور دارای يك فرورفتگی کم عمق و مرتب درونی بود .

این نشانه آنست که قرار گرفتن سنگها به نوعی بوده که درون آنها دیده نمیشده است و تنها يك دیواره باریك نگاهدارنده این بخش صدف بوده است . بهر حال اینطور بنظر میرسد که چنین تدبیری برای حفظ دیوارهای محکم و برجهادری هیچ نقطه دیگری بکار نرفته است . شاید این طرح بمنظور افزودن منظره برای ساختمانهایی که باید در پشت این بنا ساخته میشده ، بوده است . (۱)

(۱) - شاید ترتیب مشابهی در جلوی آپادانا در تخت جمشید وجود داشته است .

### دوره دوم (۵۲۲ - ۳۰۰ پیش از میلاد)

طی کوششی مثبت برای تکمیل حفاری در تمام محوطه‌ای که باین نما پیوسته بود، برای نخستین بار بخشهای بسیاری از «دژ تپه» مورد کاوش قرار گرفت . در حوضه C هر چه حفاری بسوی مشرق پیش میرفت ، ذخیره‌ها در عمق کمتری قرار داشتند .

آنچه در اینجا موجب شگفتی شد ، کشف يك مخزن بزرگ آب بود که بیش از چهار متر ژرفا و بیش از چهار متر مربع مسافت داشت و در درون يك سنگ زنده احداث شده بود . دیواره‌های آن تناسب خود را از دست داده بودند و برآمدگیهای ناهنجاری در آنها پدید آمده بود . در همه جای این مخزن نشانه‌هایی از ساروج کاری مکرر برای جلوگیری از نفوذ آب دیده میشود .

از این مهمتر پیداشدن تعدادی سکه بود در امتداد استحکامات دژ ، و مدفون در یکی از راهروهای داخلی که تاریخ نخستین ویرانی دژ را مشخص میکرد . اینطور استنباط میشود که در اوج یورش به دژ تعدادی سکه بر کف راهرو ریخته و در میان خاکستر و خشتهای فرو ریخته مدفون شده ، و امروز در نتیجه کاوشهای باستانشناسی بدست ما رسیده است . سکه‌های پیدا شده سی و چهار عدد سکه چهاردرهمی است از نقره و متعلق به ابتدای دوران سلوکی‌ها . دو عدد آنها نمونه‌های خوبی هستند ، و بر روی هر يك ، سربك سلوکی با کلاه خود حك شده است ؛ و این میرساند که تاریخ این سکه‌ها قبل از سال ۳۰۶ پیش از میلاد نمیتواند بود . این دلیلی است برای اثبات اینکه دوره دوم دنباله دوره اول و مربوط به هخامنشیان است و غلبه سلوکی‌ها در حدود سال ۳۰۰ پیش از میلاد انجام گرفته است .

با پیدا شدن سومین رونوشت کتیبه مشهور خشا پارشاه مشهور به کتیبه (دیو) بر روی يك لوح سنگ آهک بسیار جالب و بزرگ خاکستری، آگاهی ما درباره این دوره بیشتر شد. با اینکه لوح در اواخر زمان هخامنشیان و ابتدای سلوکی‌ها به عنوان سرپوش مجرای آب به کار میرفته ؛ اما پیدا شدن آن در پاسارگاد شاهد رسائی است بر اینکه پس از تغییر مکان هخامنشیان از پاسارگاد به تخت جمشید ، برای مدتها ، این شهر یکی از مراکز مهم بوده است .

### دوره سوم (۳۰۰ - ۲۸۰ پیش از میلاد)

آخرین مرحله تصرف سلوکی‌ها (دوره سوم) که بی شك کوتاه بوده دو نکته را برای ما روشن میسازد نخست آنکه نخستین پادشاه سلوکی توانسته بود نفوذ خود را در

پارس باستان ادامه دهد. دیگر آنکه دومین قیام ملی که برای کشور يك دوران استقلال واقعی به بار آورد، پس از مرگ اوتافاق افتاد. کاوشهای سال ۱۹۶۳ موجب کشف بنای قابل توجهی از این دوره نشده؛ اما توانستیم محل پادگانی را که برای تعمیر سنگهای کهن دژ در نظر گرفته شده بود پیدا کنیم.

نیاز به گفتن نیست که کاوش ۱۹۶۳ بطور کلی در این منطقه نتایج چندانی سودمندی در بر نداشت و همانطور که در شماره دوم نشریه ایران گزارش داده شده است تنها اندوخته‌ای از سکه‌های سلوکی متعلق بزمانی که دژ برای دومین بار ویران شد و نیز يك مهره سفالی غیر ظریف که نشانه‌های آشکار است بدست آمد.

### دوره چهارم (دوره اسلامی)

اینطور بنظر میرسد که پس از برافتادن سلوکی‌ها در ایران فعالیت‌های ساختمانی در پاسارگاد تا اواخر ساسانیان یا ابتدای دوره اسلامی متوقف مانده است. وضع سوق الجیشی «تال تخت» در آن هنگام، صرف نظر از آنچه که از مسیر اصلی به سوی شمال تا آغاز این قرن باقیمانده بود، گویاست که این ناحیه يك بار دیگر بتصرف درآمده است.

در بالای تپه، در مسیر مخالف دیوارهای اصلی دوره هخامنشی، خرابه‌های تالاری دراز را با دو پایه ستون چهار گوش و دیوارهایی که بدقت اندود شده بودند، یافتیم. با اینکه مدتهاست ازدزدی اشیاء با ارزش آنجا میگذرد با اینحال تالار دارای نمونه‌های کافی از سفالهای رگه دار و حکاکی شده به رنگهای خاکستری و قهوه‌ای بود که با دیگر آثار دوره چهارم در حوزه‌های R و C پیوستگی داشت. در آخر بخش این محوطه اتاقهای متعدد کوچکی با دیوارهای خشتی يك سنگی کشف شدند که در برابر استحکامات محدودی که ظاهراً مرکز بالای تپه را محصور میکردند، قرارداد شدند. این اتاقها از دیوارهای ساده سنگی با آنچه که شاید تا ق مدخل آنها بوده، تشکیل میشدند و هر کدام بوسیله يك یا چند برج کوچک گرد محافظت میشدند.

در حال حاضر سفالهای بدست آمده از دوره چهارم مانندی در میان هیچیک از سفالهای پیدا شده در مناطق دیگر ندارد. در حالی که باید انتظار داشت چنین سفالی از غرب ایران که دارای دژهای مستحکمی است، نیز بدست آید. بعلاوه هیچ سکه یا سنگ نبشته‌ای که بتواند ارتباطی با سفالهای دوره چهارم داشته باشد، در این حوزه کشف نشد، با چنین شرایطی تاریخ گذاری این دوره نمیتواند قطعی باشد. اما از آنجا که در محلهای مسکونی

متعلق باین دوره، ظروف لعابی متعلق به زمان پارتها یا ساسانیان، و یا ظروف لعابی مشابه بآنچه از قرنهای نهم و دهم میلادی در استخر بدست آمده، پیدا نشده است؛ بهترین تاریخی که برای این دوره میتوان پیشنهاد کرد اوائل اسلام است. آخرین غلبه و تصرف این منطقه که کلیه سنگهای دفاعی بوده با حمله مستقیم انجام گرفته است در حوزه R در کف يك اتاق مقدار زیادی سفال دوره چهارم بدست، و از شواهد چنین پیدا بود که خاکستر يك آتش سوزی آنرا در خود مدفون ساخته است.

### حوزه مقدس

یکی از هدفهای اصلی حفاری ۱۹۶۳ عبارت بود از کاوش در محلی بنام حوزه مقدس که آخرین بار توسط پرفسور هر تسفلد در سال ۱۹۲۸ مورد آزمایش و حفاری قرار گرفته بود. کار بر بالای تپه ای کوچک و تقریباً چهار گوش که در انتهای غربی محوطه محصور قرار دارد، آغاز شد. در این محل ما توانستیم نقشه کامل ایوانهای مرکب را که زمانی به مراسم مذهبی شکل میدادند، مشخص سازیم و با اینکه نمیتوان ادعا کرد که مدارك مستقیمی درباره مراسم و شعائر مذهبی از این حفاری بدست آمده است، اما دست کم، قالب يك پوستشگاه با بعضی مشخصات آشکار آن پیدا شده است. در این مختصر، شاید تنها اشاره به این نکته کافی باشد که این ایوانها نیز مانند ساختمانهای دوره های دوم و سوم دژ تپه از سنگهای ساده بنا شده است، رفت و آمد به تپه تنها بوسیله يك پلکان سنگی انجام میگرفته است. در بالای تپه هنوز آثاری از يك صفه کوچک خشتی بجا است که شاید زمانی ساختمان زیارتگاه وسیعی بر آن قرار داشته است.

يك کشف غیرمنتظره از یکی از ایوانهای که در سوی جنوبی تپه قرار داشت، اندوخته کوچکی از نوارهای مسطح طلا همراه با يك مهره ترك برداشته عقیق جگری بود که از زیر یکی از سنگهای شکسته سنك فرش بدست آمد. اینکه آیا این اندوخته متعلق به زمان هخامنشیان یا پس از آن است مشخص نیست. زیرا هیچیک از چیزهای پیدا شده در این اندوخته مشخصه ویژه ای را دارا نیست که بتوان بکمک آن، تاریخ آن را حدس زد. اما با پیدایش يك سنجاق برنز با يك سر عجیب چهار گوش در بالای سنگ فرش شاید بتوان این نتیجه را گرفت که اندوخته ها پس از نخستین تسلط و غلبه در زیر سنك فرشها مدفون شده اند.

در پائین این تپه کوچک بر روی زمین مسطح، بسوی مشرق، آنجا که نهری در زمانهای اخیر جاری است، کاوش برای پیدا کردن نقشه کاملی از سنگهای خشکی که روزگاری بقایای حوزه مقدس را محصور میداشته است موفقیت آمیز بود. بعلاوه نخستین

حفراری که در کنار دوسکوی مستقل از جنس سنگ آهک سفید که در حد شرقی حصار قرار دارد - انجام گرفت جزئیات بسیاری از طرح و ویژگی این حدود را آشکار ساخت هر یک از این سکوها که میباید بهنگامی نگاهدارنده یک آتشکده مهم بوده باشد، بر دو یا سه ردیف سنگ تکیه کرده بود. این نکته همراه با دیگر نشانه ها که اغلب مغایر با مشهودات ما در تپه کوچک بود، میسراند که این دو سکو بحالت اصلی خود قرار دارند و تغییری در آنها داده نشده است.

کاوش بیشتر نشان داد که پایه هر یک از این دوسکو را کناره‌هایی از سنگ آهک سیاه صیقلی یافته وهم سطح با کلوخهای مجاور محاط کرده است. در سکو جنوبی هنوز بقایای یک ردیف پله های محکم برجاست که تقریباً در وضع اصلی خود قرار دارد و دور آنرا سنگ آهک سیاه فرا گرفته و آنرا بصورت بخش مکملی برای تمام بنادر آورده است. آخرین موضوع جالب در این ناحیه، کشف این نکته بود که کناره‌های سنگ آهک سیاه در هر یک از زوایای سکو فوق‌الذکر، پایه های چهار گوش پیش آمده ای را شامل بودند که بگمان روزی بر روی آنها بنای آتشکده ای مستقر بوده است.

### پل

در بازدید کامل از محوطه کاخها مجبور شدیم زمان زیادی را برای بررسی طرح استادانه یک آبراهه سنگی و آبگیری که روزگاری باغ شاهی را آبیاری میکرد است، صرف کنیم، جالب ترین و غیرمنتظره ترین چیزی که در این بخش مشاهده شد، توده ای از سنگهای آهکی بود که در شمال شرقی تالار بارعام قرار داشت و در امتداد محور در ورودی زمین را شکافته بود. جستجوی بیشتر ثابت کرد که این توده سنگ آهکی بخشی از مصالح ساختمانی پلی بوده که بر روی نهری که در روزگار باستان از میان محوطه میگذشته قرار داشته است. این پل با طول تقریبی ۱۹ و عرض تقریبی ۱۴ متر، بر روی پانزده ستون پنج ردیف سه ستونی - مستقر بوده است. اکنون در زیر استوانه هر ستون سائیده شده بوسیله آب، تنها یک پایه سنگی مربع شکل باقیمانده است و در دیواره آهکی و تقریباً سالم پل، فرورفتگی بشکل مربع دیده میشود:

متأسفانه از روسازی ساختمان پل چیزی بر جای نمانده، اما بخوبی میتوان حدس زد که زمانی کلاه فرنگی ستون داری بر روی نهر قرار داشته و مدخل بسیار جالب و غیر معمولی برای حصار های کاخ بوده است. ناگفته نماند که طرح ساختمان کاملاً استثنائی این پل که یکی از نخستین نمونه های پلهای ستون دار است مثال دیگری است از نبوغ هخامنشیان در

### ابداعات و ابتکارات فن معماری . باغ کلاه فرنگی و گنجینه آن

یکی از آخرین وظایف هیئت اعزامی تکمیل حفراری یک باغ کوچک کلاه فرنگی بود که بخشی از آن در بین راه تالار بارعام و کاخ مسکونی واقع است از این باغ یک صنفه سنگی مستطیل شکل باقی مانده است که در شمال و جنوب آن آثار پایه های مخروطی پلکانهای دیده میشود. از آنجا که سنگهای اصلی این ساختمان اغلب آسیب فراوان دیده، تشخیص این نکته که آیا اصولاً بنای آن هرگز کامل شده یا نه؟ بسیار دشوار است. بر جای نماندن هیچیک از پایه ستونهای این ساختمان را دو گونه میتوان توجیه کرد: یا دزدیده شدن آنها و یا این حقیقت که نخستین سازندگان این بنا فرصت بانجام رساندنش را نداشته اند. اما بهرحالا کاوش ما در این محل بی بهره نبود و توانستیم در آنجا اشیائی را پیدا کنیم. در یک متری جناح شرقی ایوان جنوبی، پایه ستون یک خمره آب بلند از زمان هخامنشیان بدست آمد که زمانی در کلاه فرنگی و یا در باغهای اطراف آن مورد استفاده قرار میگرفته است. این خمره نخست تنها بعنوان یک شئی جالب مورد توجه واقع شد. اما یک آزمایش دقیق نشان داد که مجموعه ای نفیس از اشیاء زینتی طلا متعلق بدوران هخامنشیان در تپه آن پنهان است. ظاهراً این مجموعه، اشیاء زینتی یک بانوی متمشخص درباری بوده است و در یک دوره بحرانی، شاید بهنگام حمله اسکندر، زمانی که خاندان شاهی بسوی شمال تخت جمشید متواری شده است آنرا در این خمره مخفی کرده اند.

اشیاء مهم این مجموعه عبارت است از سه جفت گوشواره نفیس طلا و یک جفت دستبند زیبای طلا با نقش سربز کوهی؛ دو قاشق نقره که بر روی دسته یکی از آنها سربز اردک یا قو حک شده؛ سه سنگ لاجورد، عقیق و یاقوت سبز که بر روی آنها تصویر شیر منقش است؛ یک مدال محذب مرصع و چیزهای کوچکتری که اغلب تکه های زیور گردن بندها و گوشواره هاست - صدوسی و یک عدد آنها از طلا است و بر روی هر یک تصویر حیران یا انسانی ترسیم شده. بعلاوه چهارده دانه تسبیح طلا بشکل غنچه های درخت سدر، و تعداد زیادی مهره های کوچکتر طلا و مروارید و سنگ نیز در میان آنها وجود دارد.

رو بهمرفته این گنجینه مجموعه ای نفیس، عالی و خیال انگیز را بمعارضه میدارد و بر شکوه نام و شهرت جواهر سازان هخامنشی بیش از پیش میافزاید.